



The Pioneers of the Islamic Revolution in the "2050 Horizon"

Dr. Gholamreza Goodarzi¹

Mohammad amin Aqayani²

Abstract

Foresight of the Future Horizon is one of the essential requirements for civilization-building, which finds its meaning within the framework of Mahdism thought. The new Islamic civilization will reach its perfection only when it is founded upon purposeful and well-organized foresight and planning. In this process, the Islamic Revolution transforms society's role from passive responsiveness to active and coherent agency. In the present study, using an exploratory approach and expert-based methodology, targeted interviews were conducted with specialists to identify and analyze the driving forces of the Islamic Revolution toward the "2050 Horizon." The findings indicate that, considering the definite future trends, investment in and mastery of scientific and technological instruments are of vital importance for escaping the monopoly of rivals and enemies of the new Islamic civilization, as well as for optimizing other driving forces. Furthermore, political, economic, and cultural drivers play a key role in strengthening the soft power of the Islamic Revolution, increasing public satisfaction and receptivity, and maintaining and expanding the cultural foundations of the new Islamic civilization within the '2050 Horizon.' Accordingly, in pursuit of Mahdist goals, the Islamic Revolution must redefine its strategies based on scientific development, governance improvement, and strengthening of economic and cultural structures to pave the way for the emergence of the new Islamic civilization.

Keywords: New Islamic Civilization, Futures Studies, Islamic Revolution, Drivers

1. Full Professor and Faculty Member, Imam Sadiq(A.S.) University, Tehran, Iran (rgodarzi@yahoo.com)

2. Master's Graduate in Management, Imam Sadiq(A.S.) University, Tehran, Iran (Corresponding Author) (aqayanim@gmail.com)

پیشران های انقلاب اسلامی در افق ۲۰۵۰

غلامرضا گودرزی^۱

محمدامین آقایی^۲

چکیده

تصویرسازی افق آینده، یکی از ضروریات تمدن سازی است که در چارچوب اندیشه مهدویت معنا پیدا می کند. تمدن نوین اسلامی، زمانی به کمال خود خواهد رسید که مبتنی بر آینده نگری هدفمند و برنامه ریزی شده باشد. در این مسیر، انقلاب اسلامی نقش جامعه را از انفعال به کنشگری فعال و منسجم تبدیل می کند. در پژوهش حاضر، با رویکرد اکتشافی و روش خبرگی، از طریق مصاحبه های هدفمند با خبرگان، پیشران های انقلاب اسلامی در افق «۲۰۵۰» مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان می دهد که با توجه به روندهای قطعی آینده، سرمایه گذاری و تسلط بر ابزارهای علم و فناوری، برای خروج از انحصار رقبا و دشمنان تمدن نوین اسلامی، و همچنین بهینه سازی سایر پیشران ها، از اهمیت حیاتی برخوردار است. علاوه بر این، پیشران های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نقش کلیدی در تقویت قدرت نرم انقلاب اسلامی، افزایش رضایت و اقبال عمومی مردم، و حفظ و بسط پایه های فرهنگی تمدن نوین اسلامی در افق «۲۰۵۰» خواهند داشت. بر این اساس، انقلاب اسلامی، در مسیر تحقق اهداف مهدوی، باید ضمن مدیریت تحولات نوظهور، راهبردهای خود را براساس توسعه علمی، ارتقای حکمرانی، و تقویت بنیان های اقتصادی و فرهنگی بازتعریف کند تا بتواند زمینه ساز ظهور تمدن نوین اسلامی باشد.

واژگان کلیدی:

تمدن نوین اسلامی، آینده پژوهی، انقلاب اسلامی، پیشران.

مقدمه

تمدن سازی یکی از ارکان اساسی تحقق وعده های الهی در تاریخ بشر بوده است. از نگاه

۱. استاد تمام و عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران (rgodarzi@yahoo.com).

۲. فارغ التحصیل کارشناسی ارشد مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (aqayanim@gmail.com).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۸

دینی، بشریت در مسیر تکامل خود، در راستای تحقق عدالت، معنویت و سعادت حقیقی، نیازمند یک نظام اجتماعی مبتنی بر ارزش‌های الهی است. تمدن به عنوان جلوه‌ای از تعاملات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و علمی بشر، نه تنها بستر زیست جمعی انسان‌ها را شکل می‌دهد، بلکه زمینه‌ساز تحقق اهداف متعالی آفرینش نیز خواهد بود (بنائی و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۴۰).

در اندیشه اسلامی، تمدن‌سازی نه صرفاً به عنوان یک فرایند مادی و تکنولوژیک، بلکه به عنوان بستری برای پرورش انسان‌های الهی و تحقق جامعه‌ای عادلانه و توحیدی تعریف می‌شود. خداوند در آیات متعددی از قرآن کریم، آینده‌ای را نوید داده که در آن حق بر باطل پیروز شده و عدالت در سراسر زمین برقرار می‌شود. این آینده، نه براساس رخدادهای طبیعی و تصادفی، بلکه براساس سنت‌های الهی و تلاش آگاهانه انسان‌ها محقق خواهد شد. از این رو، تمدن اسلامی، نه تنها ابزار توسعه مادی، بلکه بستر تحقق وعده‌های الهی و تجلی عدالت و حقیقت در عرصه‌های گوناگون زندگی بشر خواهد بود (بنائی و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۴۰).

یکی از مهم‌ترین و اصیل‌ترین آموزه‌های اندیشه اسلامی، مفهوم مهدویت است. مهدویت نه تنها یک باور دینی، بلکه یک چشم‌انداز ارزشی است که می‌توان براساس ارزش‌ها، هنجارها و آرمان‌های آن، مسیر آینده جامعه اسلامی را ترسیم نمود. در این چارچوب، مهدویت صرفاً یک ایده انتزاعی یا امید دوردست نیست، بلکه دال مرکزی یک نظام فکری و عملی است که مسیر حرکت جامعه اسلامی را به سوی تمدن نوین اسلامی هدایت می‌کند. تمدن اسلامی، زمانی به نقطه کمال خود خواهد رسید که عدالت، اخلاق، علم و معنویت در تمام ابعاد فردی و اجتماعی محقق شود. این همان افقی است که مهدویت به آن اشاره دارد؛ جامعه‌ای که در آن ظلم، فساد، نابرابری و ناآگاهی جای خود را به قسط، دانش، کرامت انسانی و سعادت حقیقی داده است. بنابراین، مهدویت نه تنها افق نهایی حرکت جامعه اسلامی را مشخص می‌کند، بلکه چارچوب‌های لازم برای سیاست‌گذاری، مدیریت اجتماعی، و هدایت تحولات علمی و فرهنگی را نیز ارائه می‌دهد (الویری، ۱۳۹۲، صص ۱۸-۲۰).

در پرتو مهدویت، آینده‌پژوهی اسلامی از یک نگاه صرفاً تکنیکی به یک نگرش ارزشی و راهبردی ارتقا می‌یابد که در آن، روندهای جهانی و تحولات آینده براساس معیارهای عدالت، توحید و کرامت انسانی تحلیل و هدایت می‌شوند. از این رو، مهدویت را می‌توان عامل اساسی در مدیریت مسیر آینده‌نگرانه‌ای دانست که جامعه اسلامی را به سوی تمدن نوین اسلامی سوق می‌دهد.

یکی از تحولات بنیادین و مثبت در مسیر شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی رحمه‌الله‌ علیه بود. این انقلاب، که برخاسته از یک نگرش توحیدی و مبتنی بر مکتب اهل بیت علیهم‌السلام بود، مسیر تمدن‌سازی اسلامی را از یک روند منفعلانه، پراکنده و بدون پشتوانه فکری و عملیاتی، به حرکتی پویا، هدفمند و تحت هدایت نظری و عملیاتی ولایت فقیه سوق داد (بنائی و همکاران، ۱۴۰۳، صص. ۴۱-۴۲).

پیش از انقلاب اسلامی، جوامع اسلامی عمدتاً درگیر چالش‌های ناشی از استعمار، استبداد داخلی و استحاله فرهنگی بودند که موجب شده بود روند تمدنی آن‌ها به انفعال کشیده شود. اما انقلاب اسلامی، با ارائه الگویی نوین از حکومت‌داری اسلامی، توانست جریان جدیدی را در مسیر احیای تمدن اسلامی ایجاد کند. ولایت فقیه به عنوان محور این تحول، نه تنها بُعد سیاسی این حرکت را هدایت کرد، بلکه با ایجاد انسجام فکری و عملی، زمینه‌های تحقق آرمان‌های اسلامی را در ساحت‌های مختلف سیاست، فرهنگ، علم و اقتصاد فراهم ساخت. بدین ترتیب، انقلاب اسلامی را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ معاصر دانست که برای نخستین بار، تمدن نوین اسلامی را از سطح یک ایده به یک روند اجرایی و نهادینه شده ارتقا داد (بنائی و همکاران، ۱۴۰۳، ص. ۴۲).

انقلاب اسلامی تحت رهبری امامین آن، به مثابه موتور محرک شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، رویکرد آینده‌نگرانه مبتنی بر منجی‌گرایی و شکل‌گیری و توسعه ارزش‌های مهدوی در راستای زمینه‌سازی ظهور قائم آل محمد صلی‌الله‌ علیه‌وآله را در دستور کار خود قرار داده است. بر همین اساس، این پژوهش حول آینده انقلاب اسلامی قصد دارد با عنایت به ضرورت ترسیم مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی بر پایه مهدویت در افق‌های آینده، به شناسایی پیش‌رانی‌های این پدیده متعالی و تمدن‌ساز در افق «۲۰۵۰» بپردازد.

ادبیات نظری

این پژوهش نیز مانند سایر پژوهش‌ها مبتنی بر ادبیات و مبانی نظری مرتبط با حوزه تخصصی خود نگاشته شده است که این مبانی در قالب کلیدواژه‌های پژوهش، قابل بررسی است:

تمدن نوین اسلامی: تمدن نوین اسلامی مفهومی است که از ترکیب سه عنصر تمدن، اسلامیت و نوین بودن شکل گرفته است.

تمدن: تعاریف مختلفی در خصوص تمدن ارائه شده است که هر یک، آن را به ویژگی‌های خاصی مانند شهرنشینی، تسلط بر علم و فناوری، وجود آداب و رسوم و نظام‌های اجتماعی محدود کرده‌اند. اما هیچ‌یک از این تعاریف، نگاهی جامع و کل‌نگر به تمدن ارائه نمی‌دهد. در یک بیان اختصاری، می‌توان تمدن را مجموعه‌ای از نهادها و روابط اجتماعی دانست که بستری برای تحقق پیشرفت و ترقی بشری فراهم می‌آورند (سپهری، ۱۳۸۵).

اسلامیت: افزودن صفت اسلامیت به مفهوم تمدن، به معنای تزریق ارزش‌های اسلامی به آن است. در اندیشه مقام معظم رهبری، تمدن اسلامی یعنی پیشرفت و ترقی جامعه اسلامی براساس چهار رکن اساسی:

- ایمان (به عنوان محور اصلی حیات اجتماعی و فردی)
- اخلاق‌مداری (به عنوان چارچوب تنظیم روابط انسانی)
- اتکاء به عقلانیت (به عنوان ابزار شناخت و مدیریت امور)
- علم‌گرایی (به عنوان مبنای رشد و توسعه)

در این تمدن، علم و اخلاق در کنار یکدیگر معنا پیدا می‌کنند، مادیات تحت لوای معنویات قرار دارند، و ایمان، زمینه‌ساز تحقق عدالت از طریق حاکمیت اسلامی است (بنائی و همکاران، ۱۴۰۳، صص. ۴۳-۴۴).

نوین بودن: نوین بودن تمدن اسلامی به این معناست که در عین حفظ ارزش‌های اسلامی، با مقتضیات زمانه و تحولات علمی و اجتماعی سازگار باشد. این مفهوم تأکید دارد که تمدن اسلامی نباید در گذشته متوقف شود، بلکه باید در تعامل با پیشرفت‌های بشری، جایگاه خود را در آینده تثبیت کند.

در مجموع، تمدن نوین اسلامی تلاشی برای ایجاد جامعه‌ای پیشرفته و عدالت‌محور بر پایه مبانی اسلامی است که بتواند در سطح جهانی، تأثیرگذار و پیشرو باشد (بنائی و همکاران، ۱۴۰۳، ص. ۴۵).

مهدویت: موعودباوری که در ادیان مختلف الهی نیز بدان اشاره شده است به معنای ایمان به وجود یک منجی در عصر آخرالزمان است. این عقیده بر این اصل استوار است که در آخرالزمان، شخصی ظهور خواهد کرد که ظلم و ستم را از میان برداشته و جهانی بر پایه عدالت و صلح بنا خواهد نمود. این باور در میان ملل و اقوام مختلف با فرهنگ‌ها و مذاهب گوناگون وجود داشته و با تعبیر متفاوتی بیان شده است، اما همگی در این اصل مشترک‌اند که فردی

نجات بخش ظهور خواهد کرد تا جهانی عادلانه را رقم بزند. اعتقاد به ظهور منجی یکی از اصول بنیادین در تمامی ادیان الهی و هدفمند است. از نگاه پیامبران، از نخستین تا آخرین، بشارت ظهور منجی و وعده تحقق جامعه‌ای آرمانی از جمله آموزه‌های مشترک میان تمامی ادیان توحیدی است. براساس این دیدگاه، مأموریت ناتمام پیامبران و ادیان گذشته، به دست این شخصیت الهی به سرانجام خواهد رسید (یزدی خواه، ۱۴۰۲). هر یک از ادیان الهی در مکتب خود به نوعی به مهدویت و منجی‌گرایی آخرالزمانی اشاره کرده‌اند:

یهودیت: باور به مسیحا (ماشیاخ) که از نسل داوود بوده و حکومتی عادلانه برپا می‌کند. در این دیدگاه، دوران پس از ظهور مسیحا دوره‌ای سرشار از برکت و رفاه خواهد بود و تمامی ملت‌ها تحت فرمانروایی الهی زندگی خواهند کرد (یزدی خواه، ۱۴۰۲، صص ۳-۵).

مسیحیت: اعتقاد به بازگشت حضرت عیسی علیه السلام برای برپایی عدالت و نابودی شر این باور، به‌ویژه در میان مسیحیان کاتولیک و پروتستان، در قالب «آخرالزمان شناسی» یا «اسکاتولوژی» مورد بررسی قرار گرفته و پیروان این دین انتظار دارند که بازگشت عیسی علیه السلام سرآغاز تحولی عظیم در جهان باشد (یزدی خواه، ۱۴۰۲، صص ۵-۶).

اسلام: در میان فرقه‌های مذهب شیعه، علیرغم تفاوت نظرهای اصل مهدویت و منجی‌گرایی را تأیید می‌کنند و بدان اعتقاد دارند (یزدی خواه، ۱۴۰۲، صص ۸-۱۲). در میان مذاهب اهل سنت نیز همگی به نوعی اصل مهدویت و نیز حیات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را مورد تصریح قرار داده‌اند (یزدی خواه، ۱۴۰۲، صص ۱۲-۱۵).

ویژگی‌هایی برای مهدویت اشاره شده است که ویژگی‌های مشترک مهدویت در ادیان، عدالت محوری و برقراری صلح، نابودی ظلم و فساد، احیای ارزش‌های الهی و معنویت، تغییر بنیادین در ساختارهای اجتماعی و سیاسی می‌باشد (یزدی خواه، ۱۴۰۲، صص ۱۶-۱۷).

آینده‌پژوهی: آینده‌پژوهی به عنوان یک حوزه مطالعاتی میان‌رشته‌ای که کاربردهای فراوانی در عرصه عمل داشته است، به دنبال تحلیل و پیش‌بینی روندهای آینده و طراحی آینده مطلوب برای جامعه هدف و سیستم مورد مطالعه بر مبنای مجموعه روش‌های چارچوب‌مند است (گودرزی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۲۶). برخی صاحب‌نظران، هدف این رشته را ابهام‌زدایی از آینده از طریق روش‌های نظام‌مند و مبتنی بر خلاقیت و شهود می‌دانند (Bell, 1997, p.5). برخی دیگر بر این باورند که آینده‌پژوهی مطالعه تغییرات درازمدت در جامعه و محیط است که به درک بهتر از آینده‌های ممکن و تأثیر آن‌ها بر تصمیمات کنونی کمک می‌کند (Dator, 2002, p.5). آینده‌پژوهی را می‌توان فرآیندی دانست که به شناسایی و ارزیابی گزینه‌های مختلف

آینده می‌پردازد تا تصمیم‌گیران را در انتخاب مسیرهای بهینه یاری دهد (Glenn & Gordon, 2009). شکل‌گیری نقش آینده‌پژوهی در پژوهش‌های محققان از ۱۹۴۰ و با پروژه پیش‌بینی فناوری‌های آینده آغاز شد و پس از جنگ جهانی دوم، با تغییر رویکرد پژوهشی منفعلانه به فعال در اندیشکده RAND در راستای تحت کنترل قرار دادن عدم قطعیت‌های ناشی از تأثیر مؤلفه‌های مبهم و نوظهور برآمده از توسعه پرشتاب علم و فناوری، تداوم یافت. در دهه ۶۰ میلادی نیز پژوهش در حوزه آینده وارد فاز غیرنظامی شد و این امر سرآغاز شکل‌گیری رشته دانشگاهی آینده‌پژوهی بود (گودرزی و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۲۶). نقش آینده‌پژوهی در دهه‌های اخیر نیز با شکل‌گیری انقلاب صنعتی چهارم و افزایش مؤلفه‌های پویایی محیط، برای شناسایی و تحلیل سناریوها و روندهای آینده پررنگ‌تر شده تأثیر آن در خصوص مدیریت عدم قطعیت‌های پیش‌روی سازمان‌ها و جوامع، توسط مدیران و رهبران سازمان‌ها و جوامع مورد نظر قرار گرفته است (Kurzweil, 2005).

پیشران: در ادبیات آینده‌پژوهی، پیشران به عواملی اطلاق می‌شود که به‌طور فعال و مستقیم در شکل‌دهی به روندها، تغییرات و تحولات آینده نقش فعال دارند. این مفهوم برخلاف روندها که توصیف‌کننده مسیرهای تغییر در طول زمان هستند، به نیروهای محرکه‌ای اشاره دارد که منشأ تغییر بوده و مسیر آینده را تعیین می‌کنند (Schwartz, 2012, p. 226). بررسی پیشران‌ها یکی از گام‌های اساسی در روش‌های آینده‌پژوهی همچون تحلیل روندها، سناریونویسی، تحلیل اثرات متقابل و مدل‌سازی سیستم‌های پیچیده است. شناسایی این عوامل به تصمیم‌گیران کمک می‌کند تا روندهای مطلوب را تقویت کرده و از مسیرهای نامطلوب اجتناب کنند.

از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های پیشران‌ها، تأثیرگذاری عمیق، گستردگی اثر، پویایی، و توان ایجاد تغییرات ساختاری در سیستم‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. بر همین اساس، شناسایی و تحلیل پیشران‌ها در مطالعات آینده‌پژوهی، ابزاری کلیدی برای تدوین راهبردهای کلان و تصمیم‌گیری‌های بلندمدت محسوب می‌شود (Glenn & Gordon, 2009).

انقلاب اسلامی: این انقلاب با تکیه بر ارزش‌های اسلامی و با هدف برپایی حکومتی مبتنی بر عدالت، استقلال و آزادی شکل گرفت. در این راستا، مفاهیمی چون توحید، امامت و ولایت، نقش محوری در تبیین ایدئولوژی انقلاب دارند. این حرکت عظیم مردمی به رهبری مرجعیت دینی وقت با الگوبرداری از منطق علوی و نهضت حسینی به مبارزه با انحطاط فرهنگی،

عقب ماندگی و فساد اقتصادی، استبداد و وابستگی دوران پهلوی پرداخته و با پیوند عمیق میان نهاد جامعه و نهاد دین، در سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید. ارزش‌های اساسی انقلاب شامل عدالت خواهی، استقلال طلبی، آزادی خواهی و احیای هویت اسلامی است و اهداف آن نیز در راستای تحقق این ارزش‌ها، برپایی حکومتی مبتنی بر شریعت اسلامی، توسعه عدالت اجتماعی، مبارزه با فساد و استکبار، و تقویت وحدت ملی و اسلامی بوده است. این حرکت عظیم دینی و مردمی باور به ظهور منجی و برپایی حکومتی جهانی بر پایه عدالت را به عنوان افق آینده خود در نظر داشته و با تکیه بر این باور، خود را مقدمه‌ای برای تحقق تمدن نوین اسلامی می‌داند؛ تمدنی که در آن ارزش‌های الهی، عدالت اجتماعی و پیشرفت علمی و فرهنگی در سطح جهانی محقق شود (سیاهپوش و همکاران، ۱۴۰۱).

پیشینه پژوهش

موضوعات تمدنی در جهان تحت عنوان تمدن پژوهی همواره مورد توجه توسط اندیشمندان مختلف بوده است. صاحب نظرانی چون کنت، اسپنسر، اشپنگر و... در جهان غرب، موضوعات تمدنی را از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار داده‌اند. هم‌اکنون نیز علیرغم افول این مقوله در غرب، تمدن پژوهی در جهان اسلام در آثار مختلف اندیشمندان اسلامی مورد کنکاش و توجه قرار می‌گیرد (بنائی و همکاران، ۱۴۰۳، ص. ۵۰). بنابراین میتوان گفت موضوع این پژوهش از پیشینه‌ای غنی برخوردار است که در این بخش بدان اشاره خواهیم داشت:

گروهی از پژوهشگران با تأکید بر اهمیت نقش گفتمان انقلاب اسلامی در تعیین سرنوشت نظام جمهوری اسلامی با بهره‌گیری از روش خبرگی به شناسایی پیشران‌های موثر بر گفتمان انقلاب اسلامی در افق ۲۵ ساله پرداخته‌اند. براساس این پژوهش، هفده متغیر، به عنوان پیشران‌های گفتمان انقلاب اسلامی شناسایی شده‌اند که در این میان مؤلفه‌های کارآمدی و مقبولیت نظام دارای بیشترین تأثیرپذیری و تأثیرگذاری در آینده این گفتمان دارند (ایروانی و همکاران، ۱۳۹۸).

گروهی از پژوهشگران با تأکید بر نقش تمدن‌سازی در تحقق اهداف الهی و نیز ظرفیت عظیم اسلام و آموزه‌های آن در ایجاد یک تمدن، به شناسایی پیشران‌ها و پیش‌نیازهای تحقق تمدن نوین اسلامی بر مبنای سیر اندیشه و منطق فکری مقام معظم رهبری

پرداخته‌اند. این پژوهش که با رویکرد اکتشافی - آمیخته و با به کارگیری تلفیقی از روش‌های کیفی (مصاحبه با خبرگان در راستای شناسایی پیشران‌ها و پیش‌نیازها) و کمی (پیمایش خبرگی و پرسشنامه) انجام شده‌است، پیش‌نیازها و پیشران‌های تمدن نوین اسلامی در آئینه اندیشه مقام معظم رهبری را شناسایی و اولویت‌بندی نموده‌است. نتایج این پژوهش دلالت بر وجود مؤلفه‌هایی چون آینده‌نگری در تمدن‌سازی، نظام‌سازی، تعالی الگوی مدیریت و... به عنوان پیش‌نیازها و نیز مؤلفه‌هایی چون علم و فناوری، وحدت و معنویت، به عنوان پیشران‌های این روند مبتنی بر اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) است (بنائی و همکاران، ۱۴۰۳).

پژوهشی دیگر، با تأکید بر ضرورت پیشرفت و ترقی انقلاب اسلامی مبتنی بر آموزه‌های بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، تمدن نوین اسلامی را به عنوان آرمان اصلی انقلاب اسلامی در گام دوم مطرح نموده و به احصاء پیشران‌های انقلاب اسلامی از بیانیه گام دوم براساس نگرش مدیریت جهادی می‌پردازد. براساس این پژوهش، مؤلفه سبک زندگی تاثیر بسیار زیادی بر گام دوم انقلاب اسلامی دارد و حرکت به سمت تحقق سبک زندگی صحیح، عامل تداوم انقلاب اسلامی و تحقق تمدن نوین اسلامی است (موسوی، ۱۴۰۰).

یکی دیگر از پژوهش‌ها با عنایت به ضرورت رشد شاخصه‌های توسعه سیاسی در ایران و با توجه به روند رو به‌رشد این شاخصه‌ها پس از پیروزی انقلاب، به شناسایی و احصاء پیشران‌های اثرگذار بر توسعه سیاسی پرداخته‌است. این پژوهش با استفاده از روش خبرگانی و با استفاده از ابزارهای مربوطه به شناسایی، تحلیل و اولویت‌بندی پیشران‌های موثر بر شاخصه‌های توسعه سیاسی در ایران، پرداخته‌است. نتایج حاصل از این پژوهش، ده عنصر اساسی را به عنوان پیشران معرفی نموده که در این میان، مؤلفه گفتمان انقلاب اسلامی و جایگاه پیشرفت و توسعه در آن، از نظر خبرگان به عنوان مهم‌ترین پیشران توسعه سیاسی در کشور پس از انقلاب اسلامی معرفی شده‌است (اخوان کاظمی و نیک‌نهاد، ۱۳۹۷).

از دیگر پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام گرفته‌اند می‌توان به پژوهش جهان‌بین و معینی‌پور که به شناسائی گام‌های تحقق تمدن نوین اسلامی از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) پرداخته‌است (۱۳۹۳) و پژوهش کریمی که پیشران‌های جهانی تأثیرگذار بر آینده تمدن نوین اسلامی و نقش آینده این پدیده را مورد بررسی قرار می‌دهد (۱۳۹۶) اشاره کرد. با عنایت به پیشینه پژوهش مذکور، پژوهش حاضر با تأکید بر بسط قلمرو موضوعی بحث،

نگرشی جامع به مؤلفه‌ها و الزامات زیستن در افق «۲۰۵۰» بر اساس پیش‌رانی‌های قطعی تمدن بشری داشته و ضمن احصاء این مؤلفه‌ها، با تأکید بر تأثیر روندهای آتی، به تشریح پیش‌رانی‌های انقلاب اسلامی در راستای زمینه‌سازی ظهور و آموزه‌های مهدویت با هدف شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، پرداخته است.

روش‌شناسی پژوهش

یکی از انواع طبقه‌بندی پژوهش‌ها طبقه‌بندی مبتنی بر هدف است. بر این اساس، پژوهش می‌تواند حل یک مسئله، ارتقاء علم، ارائه پیشنهادات کاربردی و یا توسعه پژوهش‌های پیشین را دنبال کند (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۳۲). بر این اساس، این پژوهش از منظر هدف، پژوهشی کاربردی است که نتایج آن با هدف برطرف کردن ابهامات و عدم قطعیت‌های موضوع مورد پژوهش، با استفاده از دانسته‌های موجود به دست آمده است. رویکرد این پژوهش اکتشافی است که در آن ضمن بهره‌گیری از اسناد مرتبط با موضوع اعم از تمدن‌سازی، مهدویت، آینده‌پژوهی و... (روش مطالعات اسنادی)، برای اکتشاف پیش‌رانی‌های انقلاب اسلامی در افق «۲۰۵۰»، از روش مصاحبه هدفمند با خبرگان، استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

افق آینده تمدن بشری با مجموعه‌ای از پیش‌رانی‌های قطعی مواجه است که مسیر تحولات جهانی را تعیین می‌کنند. از جمله این پیش‌رانی‌ها می‌توان به رشد شتابان علم و فناوری، تحولات ساختاری در نظام‌های اقتصادی و اجتماعی، دگرگونی در سبک زندگی، و تغییرات ژئوپلیتیکی اشاره کرد. این تحولات، حیات و تداوم مسیر انقلاب اسلامی و جامعه پیش‌برنده آن را از دو منظر اساسی تحت تأثیر قرار می‌دهد.

نخست، تحقق تمدن نوین اسلامی، به عنوان چشم‌انداز کلان انقلاب اسلامی، نیازمند فراهم‌سازی مجموعه‌ای از لوازم و ظرفیت‌ها است که بتواند جامعه را برای زیست در آینده‌ای پیچیده و متحول آماده کند. در این راستا، انقلاب اسلامی باید از نظر زیرساختی، فرهنگی، علمی و مدیریتی، زمینه‌های لازم را برای حضور فعال و تأثیرگذار در آینده جهانی فراهم سازد.

دوم، با توجه به وجود دشمنان و رقبای متعدد که در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی موانعی ایجاد می‌کنند، تداوم حیات، پیشرفت و ترقی انقلاب اسلامی به عنوان موتور محرک این تمدن، مستلزم شناسایی و تقویت پیش‌رانی‌هایی است که بتواند مسیر حرکت انقلاب را

هموار کرده و آن را در برابر چالش‌های پیش‌رو مقاوم سازد. در این میان، نقش آموزه‌های مهدویت در هدایت و جهت‌دهی به این پیشران‌ها، به عنوان یک عامل راهبردی، اهمیت ویژه‌ای دارد.

با توجه به این ملاحظات، یافته‌های پژوهش حاضر در دو دسته اصلی طبقه‌بندی شده است:

- لوازم زیستن در «افق ۲۰۵۰»: شامل مجموعه‌ای از عوامل و الزامات اساسی که برای مواجهه با آینده‌ای پیچیده و پرتحول ضروری است.
 - پیشران‌های انقلاب اسلامی: مجموعه عواملی که می‌توانند انقلاب اسلامی را به سمت تحقق تمدن نوین اسلامی، مبتنی بر آموزه‌های مهدویت، هدایت کنند.
- این دو دسته بندی، چارچوبی برای تحلیل و تبیین راهبردهای آینده انقلاب اسلامی در مواجهه با تحولات جهانی ارائه می‌دهد.

الزامات زیستن در «افق ۲۰۵۰»

با توجه به این که پیشران‌ها عوامل اصلی شکل‌دهنده آینده هستند، بررسی آنها در افق «۲۰۵۰» مستلزم درک عمیق از الزامات زیست در آن مقطع زمانی است. از جمله مهم‌ترین این الزامات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

هوشمندی

در افق «۲۰۵۰»، جوامع و افراد برای سازگاری با تغییرات سریع نیازمند سطح بالایی از هوشمندی در ابعاد فردی، سازمانی و حکمرانی خواهند بود. توسعه فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی، یادگیری ماشینی و پردازش داده‌های کلان، ضرورت تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر داده (Data-Driven Decision Making) را دوچندان می‌کند. در این دوران، هوشمندی دیجیتال (Digital Intelligence) در کنار هوشمندی شناختی و اجتماعی به یک مهارت بنیادین برای زیست و رقابت در محیط‌های پیچیده تبدیل خواهد شد.

قدرت تحلیل‌گری

با افزایش پیچیدگی سیستم‌ها، عدم قطعیت‌های محیطی و ظهور چالش‌های چندبعدی، توانایی تحلیل‌گری به یک مهارت کلیدی بدل خواهد شد. در این شرایط، تفکر سیستمی

(Systems Thinking) و تحلیل چندمتغیره (Multivariate Analysis) نقش به‌سزایی در مدیریت تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایفا خواهند کرد. در حوزه حکمرانی و مدیریت، مدل‌سازی سناریویی و تحلیل آینده‌نگر (Foresight Analysis) برای اتخاذ تصمیم‌های راهبردی ضروری خواهد بود.

مدیریت مطالبه‌گری عمومی

با پیشرفت فناوری‌های ارتباطی و افزایش آگاهی عمومی، مطالبه‌گری در حوزه‌های حقوق شهروندی، شفافیت حکمرانی و عدالت اجتماعی گسترش خواهد یافت. شهروندان آینده نه تنها به دنبال پاسخگویی دولت‌ها خواهند بود، بلکه با بهره‌گیری از شبکه‌های هوشمند ارتباطی، جنبش‌های اجتماعی دیجیتال و ابزارهای مبتنی بر بلاکچین برای شفافیت اطلاعات، به‌طور فعال در فرایندهای تصمیم‌گیری مشارکت خواهند کرد. در این میان، نباید به روندها و ابزارهای نوین مطالبه‌گری اجتماعی صرفاً به‌عنوان تهدید نگریست، بلکه لازم است از فرصت‌های ناشی از این تحولات برای اصلاح ساختارها و بهبود فرایندهای پاسخگویی به انتظارات مردم بهره‌برد. در چارچوب خط فکری، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه اسلامی، باید حداکثر مطالبات عمومی را در مسیری سازنده مدیریت کرد تا ضمن افزایش مشارکت عمومی، به تقویت مقبولیت انقلاب اسلامی پرداخته شود. این رویکرد، علاوه بر ارتقای مشروعیت و کارآمدی نظام، زمینه‌ساز کاهش فشارها و بهانه‌های بین‌المللی علیه انقلاب اسلامی خواهد شد و مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی را هموارتر خواهد کرد.

درک تغییر مفهوم و صحنه رقابت در عرصه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی

در دنیای آینده، مفهوم رقابت در ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دستخوش تغییرات بنیادین خواهد شد. تحولات فناورانه، افزایش پیچیدگی‌های ژئوپلیتیکی و دگرگونی در ساختارهای اجتماعی و ارتباطی، مدل‌های سنتی رقابت را متحول کرده و الزامات جدیدی را برای کنشگران مختلف در عرصه جهانی ایجاد خواهند کرد. در این میان، بازیگران اقتصادی، دولت‌ها و جوامع فرهنگی ناگزیرند تا راهبردهای خود را متناسب با این تغییرات بازتعریف کرده و به سازوکارهای نوین رقابتی مجهز شوند. در ادامه، به بررسی این تغییرات در سه حوزه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی پرداخته می‌شود.

تحولات اقتصادی: در افق «۲۰۵۰»، رقابت اقتصادی دیگر صرفاً بر پایه منابع فیزیکی و تولید

سنتی نخواهد بود، بلکه دانش، نوآوری و تسلط بر فناوری‌های پیشرفته تعیین‌کننده اصلی مزیت رقابتی خواهند بود. مدل‌های جدید اقتصاد دیجیتال، اقتصاد پلتفرمی (Platform Economy) و اقتصاد اشتراکی (Sharing Economy)، ساختار بازارها را دگرگون خواهند کرد.

تحولات سیاسی: حکمرانی در آینده به سمت شبکه‌ای شدن (Network Governance) حرکت خواهد کرد، به گونه‌ای که قدرت دیگر در دست نهادهای سنتی متمرکز نخواهد بود، بلکه در میان شبکه‌های فراملی، دولت‌های محلی و حتی بازیگران غیردولتی توزیع خواهد شد. **تحولات فرهنگی:** تغییرات سریع فناوری‌های ارتباطی، تعاملات انسانی را دگرگون کرده و هویت‌های چندلایه و جهانی شده (Multilayered Identities) را جایگزین هویت‌های سنتی خواهد کرد. در این میان، رقابت فرهنگی بیش از پیش بر سر کنترل روایت‌ها و شکل‌دهی به افکار عمومی جهانی از طریق رسانه‌های دیجیتال و هوش مصنوعی خواهد بود.

در مجموع، زیست در افق «۲۰۵۰» مستلزم توسعه قابلیت‌های شناختی و فناورانه، ارتقای ظرفیت تحلیل داده‌ها، افزایش آگاهی اجتماعی و توان مشارکت در فرآیندهای حکمرانی و اقتصادی خواهد بود. جوامعی که نتوانند این الزامات را درک و برای آن برنامه‌ریزی کنند، با چالش‌های بنیادین در مسیر توسعه و پایداری مواجه خواهند شد.

علاوه بر الزامات مذکور، یکی از مؤلفه‌های کلیدی در افق «۲۰۵۰»، اهمیت قدرت نرم (Soft Power) در کنار قدرت سخت (Hard Power) خواهد بود. قدرت نرم، مفهومی که به توانایی تأثیرگذاری بر دیگران از طریق جاذبه فرهنگی، ارزش‌ها، هنجارها، دیپلماسی عمومی و مشروعیت بین‌المللی اشاره دارد، درحالی‌که قدرت سخت بر پایه ابزارهای نظامی و اقتصادی برای تحمیل اراده شکل می‌گیرد. در آینده، قدرت نرم نقش محوری‌تری در سیاست بین‌الملل، اقتصاد جهانی و حتی رقابت‌های فرهنگی ایفا خواهد کرد، زیرا مشروعیت بین‌المللی، تصویرسازی مثبت و توان تأثیرگذاری غیرمستقیم بر افکار عمومی و تصمیم‌سازان جهانی، عاملی تعیین‌کننده در موفقیت کشورها، شرکت‌ها و حتی نهادهای مدنی خواهد بود.

در افق «۲۰۵۰»، قدرت نرم دیگر محدود به دولت‌ها نخواهد بود بلکه شرکت‌های فناوری، سازمان‌های غیردولتی و شبکه‌های اجتماعی به بازیگران کلیدی در این عرصه تبدیل خواهند شد. توسعه دیپلماسی دیجیتال، گسترش شبکه‌های فرهنگی جهانی، و جنگ‌های شناختی (Cognitive Warfare) از طریق اطلاعات و رسانه‌های نوین، میدان جدیدی برای رقابت قدرت‌ها خواهد بود. در این دوران، کنترل روایت‌های بین‌المللی، مدیریت هویت دیجیتال، و

گسترش ارزش‌های اجتماعی از طریق رسانه‌های تعاملی و فناوری‌های نوین، اهمیت بیشتری نسبت به ابزارهای سنتی قدرت پیدا خواهند کرد.

یکی دیگر از مؤلفه‌های بنیادین در آینده تمدن بشری که به عنوان ابزار حیاتی قدرت نرم هر کشور مورد توجه است نقش رسانه و فضای مجازی در افق «۲۰۵۰» خواهد بود. رسانه‌های دیجیتال و فناوری‌های ارتباطی، در حال حاضر نیز تحولات عظیمی در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ایجاد کرده‌اند، اما در آینده، این تغییرات با ورود فناوری‌های نوینی همچون واقعیت افزوده (AR)، واقعیت مجازی (VR)، اینترنت اشیا (IoT) و هوش مصنوعی (AI) به سطحی بی‌سابقه خواهد رسید.

فضای مجازی در آینده، نه تنها بستری برای انتقال اطلاعات، بلکه میدان اصلی رقابت قدرت‌ها در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی خواهد بود. دولت‌ها و شرکت‌های فناوری، به دنبال کنترل الگوریتم‌های اطلاعاتی، مدیریت هویت‌های دیجیتال، و تأثیرگذاری بر افکار عمومی از طریق کلان داده‌ها (Big Data) و تحلیل‌های شناختی خواهند بود. در این شرایط، سواد رسانه‌ای و توان تحلیل اطلاعات دیجیتال، به یکی از مهم‌ترین ابزارهای شهروندان در برابر تهدیدات شناختی و جنگ‌های اطلاعاتی تبدیل خواهد شد.

در افق «۲۰۵۰»، تکامل فضای مجازی به متاورس‌های فراگیر، دولت‌های دیجیتال، و نظام‌های حکمرانی مبتنی بر هوش مصنوعی، وابسته خواهد بود. در این دوران، قدرت کنترل داده‌ها و نفوذ در نظام‌های ارتباطی جهانی، نه تنها بر ساختارهای حکمرانی ملی، بلکه بر نظام‌های اقتصادی و اجتماعی تأثیر مستقیم خواهد گذاشت. از این رو، توانمندی در مدیریت رسانه‌های دیجیتال، تولید محتوای مؤثر، و شناخت تأثیرات فضای مجازی بر ذهنیت و رفتار جوامع، از الزامات زیست در جهان آینده خواهد بود.

پیشران‌های انقلاب اسلامی در «افق ۲۰۵۰»

انقلاب اسلامی به عنوان یک پدیده تمدنی، در مسیر تحول و تکامل خود به سوی افق «۲۰۵۰» با مجموعه‌ای از پیشران‌ها در حوزه‌های مختلف علم، فناوری، سیاست، اقتصاد و فرهنگ مواجه است. این پیشران‌ها تحت تأثیر تحولات جهانی، پیشرفت‌های فناورانه، و دگرگونی‌های اجتماعی و اقتصادی شکل خواهند گرفت. در این مسیر، درک صحیح از روندهای آینده و الزامات زیست در نیمه قرن بیست و یکم نقشی اساسی در تداوم و تعمیق

گفتمان انقلاب اسلامی خواهد داشت.

در حوزه علم و فناوری، سرعت فزاینده نوآوری‌های علمی و توسعه فناوری‌های نوظهور، مبنای اصلی رقابت کشورها در آینده خواهد بود. گسترش هوش مصنوعی، زیست‌فناوری، فناوری‌های کوانتومی و نانوفناوری، مرزهای دانش را جابه‌جا کرده و سبک زندگی، حکمرانی و امنیت را متحول خواهد ساخت. تحقق جایگاه مطلوب در این عرصه نیازمند سرمایه‌گذاری پایدار در زیرساخت‌های علمی، حمایت از نخبگان، و ایجاد پیوند میان دانشگاه و صنعت است. در غیر این صورت، شکاف فناورانه با کشورهای پیشرو افزایش یافته و امکان اثرگذاری در نظام بین‌الملل کاهش خواهد یافت. علم و فناوری به عنوان یک ابزار، پیشران اصلی توسعه و رشد تمامی تمدن‌ها و پایه اصلی تحقق سایر پیشران‌هاست. تعریف این مؤلفه به عنوان یک پیشران برای انقلاب اسلامی از طریق سرمایه‌گذاری بر روی دانش آینده‌ساز، تربیت نخبگان متعهد به آرمان مهدویت و جبران فاصله با روند رو به رشد علم و فناوری جهان در راستای استقلال در این حوزه و شکستن انحصار قدرت‌های بین‌المللی در عرصه علوم آینده‌ساز محقق خواهد شد. این امر به معنای قرار گرفتن ابزار علم و فناوری در اختیار انقلاب اسلامی است که می‌تواند زمینه را برای پیشرفت و خدمت به بشریت فراهم آورده و از این طریق به زمینه‌سازی برای تمدن نوین اسلامی مبتنی بر آموزه‌های مهدویت بپردازد.

پیشران‌های حوزه سیاسی: جهان سیاست در افق «۲۰۵۰» نیز براساس تغییر در موازنه‌های قدرت، افزایش اهمیت حکمرانی دیجیتال، و ظهور بازیگران غیردولتی شکل خواهد گرفت. نقش‌آفرینی در این عرصه مستلزم برخورداری از دیپلماسی هوشمند، توسعه قدرت نرم، و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در حکمرانی است. در غیر این صورت، روندهای جهانی می‌توانند موجب کاهش استقلال و نفوذ سیاسی کشورها شوند. دیپلماسی هوشمند، پویا و منسجم، با استفاده از تمامی ظرفیت‌ها و استفاده از فرصت تحولات نوظهور می‌تواند به شیوه‌ی فعال، تهدیدات علیه انقلاب اسلامی را خنثی نموده و از فرصت روندهای بین‌المللی در راستای ارتقاء جایگاه نظام اسلامی در عرصه بین‌المللی بیشترین استفاده را داشته باشد. مساعدسازی محیط منطقه‌ای و بین‌المللی، عمل حیاتی هم‌تکاملی انقلاب اسلامی با پیشرفت‌ها و تحولات محیطی است که تحقق آن می‌تواند سرعت رشد تحقق تمدن نوین اسلامی بر پایه مهدویت را تقویت نماید.

در حوزه اقتصاد، گذار به اقتصاد دانش‌بنیان، دیجیتالی شدن فرایندهای اقتصادی، و تغییر

در مفاهیم سنتی تولید و توزیع ثروت، مهم‌ترین روندهای آینده خواهند بود. موفقیت در این زمینه مستلزم تقویت زیرساخت‌های فناوری اطلاعات، توسعه نظام‌های مالی نوین، و بهینه‌سازی سیاست‌های پولی و مالی است. اقتصادهایی که نتوانند خود را با این روندها تطبیق دهند، دچار بحران‌های مزمن اقتصادی و کاهش رقابت‌پذیری در بازارهای بین‌المللی خواهند شد. در حوزه اقتصاد، گذار به اقتصاد عدالت‌محور، مفهومی کلیدی در اقتصاد مهدوی است. برخلاف نظام‌های اقتصادی کنونی که بر انباشت ثروت و شکاف طبقاتی استوارند، در آینده تمدنی مبتنی بر مهدویت، اقتصاد براساس عدالت توزیعی، رفاه عمومی، و جلوگیری از استثمار شکل خواهد گرفت. پیشرفت‌های اقتصادی در چنین الگویی نه بر پایه رقابت نابرابر، بلکه براساس تعاون، اخلاق اقتصادی و توسعه پایدار خواهد بود. بهره‌گیری از ظرفیت نخبگان در گذار به اقتصاد دانش بنیان و مبتنی بر فناوری، به کارگیری ظرفیتهای نوظهور تحول در بازارهای پولی و مالی و بهینه‌سازی ساختار و فرایندهای اقتصادی با استفاده از فناوری به عنوان پیشران‌های اساسی اقتصاد انقلاب اسلامی در مسیر تحقق عدالت اقتصادی، ضرورتی انکارناپذیر است.

تحولات فرهنگی در افق «۲۰۵۰» نیز تحت تأثیر تغییرات هویتی، جهانی شدن سبک زندگی، و گسترش فضای مجازی خواهد بود. افزایش تعاملات بین فرهنگی و توسعه شبکه‌های اجتماعی، معادلات فرهنگی را دگرگون ساخته و رقابت تمدنی را به عرصه‌های جدیدی سوق خواهد داد. در چنین فضایی، توانایی تولید محتوای بومی و ترویج ارزش‌های فرهنگی از طریق رسانه‌های نوین، پیشران اساسی انقلاب اسلامی در راستای حفظ جوهره تمدنی و مقابله با نفوذ و تهاجم فرهنگی دشمنان در راستای حفظ قدرت معنایی انقلاب اسلامی در جامعه اسلامی خواهد بود. قدرت نرم، به عنوان توانایی تأثیرگذاری بر افکار عمومی، تغییر نگرش‌ها و ایجاد همگرایی، نقشی حیاتی در رقابت‌های آینده خواهد داشت. کشورهایی که بتوانند از طریق دیپلماسی عمومی، تولید محتوای رسانه‌ای و توسعه تعاملات فرهنگی، تصویری مطلوب از خود ارائه دهند، خواهند توانست بدون نیاز به رویارویی مستقیم، نفوذ و تأثیرگذاری خود را در نظام بین‌الملل افزایش دهند. همچنین با گسترش ارتباطات دیجیتال و افزایش نقش پلتفرم‌های هوشمند، رسانه‌ها به یکی از مهم‌ترین ابزارهای هدایت افکار عمومی، شکل‌دهی به هویت‌های اجتماعی و مدیریت بحران تبدیل خواهند شد. در چنین فضایی، قدرت مدیریت و تولید محتوای رسانه‌ای، توانایی تأثیرگذاری بر روندهای اجتماعی و سیاسی را

تعیین خواهد کرد. غفلت از این حوزه می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری چالش‌های امنیتی، فرهنگی و اجتماعی شود.

با توجه به این روندها، پیشران‌های انقلاب اسلامی در افق «۲۰۵۰» باید به گونه‌ای طراحی و هدایت شوند که ضمن حفظ هویت و ارزش‌های بنیادین، امکان رقابت و پیشرفت در نظام بین‌الملل را فراهم آورند. این هدایت به وسیله شبکه به هم پیوسته‌ای از چهار مؤلفه اصلی شامل اعتماد مردم، باور نخبگان، تدبیر حاکمان و عمل مدیران محقق خواهد شد. در این مسیر، نظام حکمرانی، نخبگان علمی - فرهنگی و مشارکت مردمی نقشی تعیین‌کننده دارند.

نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث مطرح شده، روشن است که پیشران‌های انقلاب اسلامی در افق «۲۰۵۰» نه تنها بر ابعاد علمی، فناوری، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تأثیرگذار خواهند بود، بلکه به طور ویژه در مسیر تمدن‌سازی اسلامی نقشی تعیین‌کننده خواهند داشت. آینده‌پژوهی تمدنی مستلزم داشتن تصویری روشن و هدفمند از آینده است، چراکه تمدن‌سازی بدون تصویرپردازی امکان‌پذیر نیست. از این رو، تصویر مطلوب از آینده، که بالاترین سطح از انسجام، باورپذیری و دقت را دارد، در آموزه‌های مهدویت و منجی‌گرایی متبلور می‌شود.

در این راستا، تحقق تمدن نوین اسلامی نیازمند طراحی و هدایت پیشران‌ها در مسیری هماهنگ و هم‌افزا خواهد بود. این مهم تنها از طریق شبکه‌ای به هم پیوسته از ظرفیت‌های اجتماعی، علمی، حکمرانی و مدیریتی قابل دستیابی است. بنابراین، به جای تمرکز صرف بر تحولات فناورانه یا اقتصادی، نگاهی جامع و راهبردی ضروری است که پیشران‌ها را در یک کل منسجم و نظام‌مند به حرکت درآورد.

از این رو، آینده انقلاب اسلامی در گرو درک صحیح از روندهای کلان جهانی، بهره‌گیری هوشمندانه از پیشران‌های تحول، و اتکا به یک مدل تمدنی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی خواهد بود. این مدل، در صورتی که به درستی طراحی و اجرایی شود، می‌تواند ضمن پاسخگویی به چالش‌های نوظهور، مسیر دستیابی به افق «۲۰۵۰» را هموار سازد.

منابع

- اخوان کاظمی، مسعود؛ نیک نهاد، ایوب. (۱۳۹۷). شناسایی و تحلیل پیشران‌های توسعه سیاسی در ایران بعد از انقلاب اسلامی؛ سناریویی مطلوب برای آینده. *پژوهش‌های سیاست اسلامی*. ۶(۱۴)، ۱۱-۴۰.
- ایروانی، زهرا و همکاران. (۱۳۹۸). شناسایی پیشران‌های موثر بر گفتمان انقلاب اسلامی ایران در افق ۲۵ ساله، *سیاست‌گذاری عمومی*. ۵(۲)، ۲۰۷-۲۲۸. doi: ۱۰.۲۲۰۵۹/۷۲۲۷۸/ppolicy.۲۰۱۹
- بنائی، علی و همکاران. (۱۴۰۳). پیش‌نیازها و پیشران‌های تحقق تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری. *آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی*. ۵(۲)، ۷۰-۳۹.
- جهان‌بین، فرزاد؛ معینی‌پور، مسعود. (۱۳۹۳). فرایند تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای. *مطالعات انقلاب اسلامی*. ۱۱(۳۹)، ۲۹-۴۶.
- دانایی‌فرد، حسن و همکاران. (۱۳۹۶). *روشن‌شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع*. تهران: انتشارات صفار.
- سپهری، محمد (۱۳۸۵). *تمدن اسلامی در عصر امویان*. تهران: نشر نورالثقلین
- سیاه‌پوش، امیر همکاران. (۱۴۰۱). *انقلاب اسلامی؛ زمینه‌ها، دستاوردها و آسیب‌ها*، قم: نشر معارف.
- کریمی، غلامرضا. (۱۳۹۶). واکاوی پیشران‌های خارجی تمدن نوین اسلامی، *آینده‌پژوهی ایران*. ۲(۲)، ۱۶۱-۱۷۹. doi: 10.30479/jfs.2017.1565
- گودرزی، غلامرضا و همکاران. (۱۴۰۰). *دانشگاه آینده با نگاهی به روندهای جهانی و ملی*، تهران: نشر دانشگاه امام صادق (ع).
- موسوی، سیدمحمد. (۱۴۰۰). پیشران‌های انقلاب اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای با تاکید بر بیانیه گام دوم، *دولت‌پژوهی ایران معاصر*، ۷(۱)، ۷-۲۴.
- الویری، محسن (۱۳۹۲). اندیشه مهدویت و تمدن نوین اسلامی. *انتظار موعود*. ۱۳(۴۲)، ۷-۲۶.
- یزدی‌خواه، عطیه‌السادات. (۱۴۰۲). *مفهوم مهدویت در ادیان*. دومین کنفرانس بین‌المللی دین، معنویت و سبک زندگی جهان اسلام.

- Bell, W. (1997). Foundations of Futures Studies: Human Science for a New Era. Transaction Publishers.
- Dator, J. (2002). Advancing Futures: Futures Studies in Higher Education. Praeger.
- Glenn, J. C., & Gordon, T. J. (2009). Futures Research Methodology Version 3.0. The Millennium Project.
- Kurzweil, R. (2005). The Singularity is Near: When Humans Transcend Biology. Viking.
- Schwartz, Peter. (2012) The art of foresight: planning for the future in a world with uncertainty. Ranslated by Aziz Alizadeh, first edition, Tehran: Defense science and technology future research Center, Defense industries Educational and research institute[In Persian].